

بدان

می بجز عفو ایما مان، نسوگم نیست نه والله

بره میهنی اعدا گذارم نیست نه والله

سفر می سوی کرب بلا میباش

دشمنی کریم بلا همسر نیست نه والله

گر نام بر سر مرا ز تنم ای می اعدا

نه نسوگم درد خط دید سر نیست نه والله

برسم گر بنود عاشق آل بی جوف

هستم از او بری او نسوگم نیست نه والله

می گویم و گفتار دو صد باره به عالم

دوستان و در حاکم نیست نه والله

محمد